



شبه‌نامه طنز  
پداخند  
شماره ۱۳  
فروردین ۱۴۰۵



## موضوع انشا: جنگ

حسین علوی

جنگ خیلی چیز خوبی است. هر بار که رئیس جمهور می‌گوید جنگ می‌خواهد تمام شود، قیمت همه چیز پایین می‌آید. شاید ما اصلاً به خاطر این وارد جنگ می‌شویم که بعد تمام شود و قیمت چیزها پایین بیاید.

راستی عمو تام امروز با ما خداحافظی کرد و گفت که می‌رود به خاورمیانه تا آمپول بزند. ولی فکر کنم می‌خواست من را گول بزند چون آدم با لباس سربازی و تفنگ که نمی‌رود آمپول بزند. ولی آمپول زدن در خاورمیانه کار خوبی نیست چون خاورمیانه خیلی دور است. بابا تعریف می‌کند که عمو جان هم ۲۲ سال پیش رفت به خاورمیانه تا آمپول بزند ولی هنوز برنگشته. از توجه شما به این انشا سپاسگزارم

نه تسلیم نه سازش  
هوافضا بسازش

نه سازش نه پوزش  
تامی خوره بگوبش

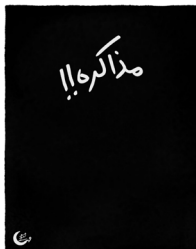
اف سی و پنج زنونه  
خدا روزی رسونه

### نیازمند لغت‌نامه

به یک عدد دیکشنری زبان لری  
جهت مذاکره نیازمندیم.  
خلبان f۳۵ ساقط شده

### آگهی معاوضه

تعدادی جنگنده f۳۵ نو  
معاوضه با یک عدد پهپاد شاهد



## تذکره ترامپ

مرضیه قاسمعلی

کاریکاتوریست:  
سیده مهسا موسوی

## نمی‌فهمند

جواد قره محمدی

یک عُمردر جنگند و «ایران» را نمی‌فهمند  
زد داده‌اند و اوج بحران را نمی‌فهمند  
خرشد ترامپ زردمو با وعده‌ی ناتان  
درگیر بیسی گشته، درمان را نمی‌فهمند  
خالی شده تاد و فلاخن، گنبد و غیره  
پهپاد و موشک، سیل و طوفان را نمی‌فهمند  
با عذرخواهی از جناب «خر» که دل‌رحم است  
خیلی خُردند و حرف انسان را نمی‌فهمند  
از اِستِبنی‌ها نباید انتظاری داشت  
زیرا «خدا» و «عدل» و «ایمان» را نمی‌فهمند  
باید ز «هرمز» ماهی خود را بگیری  
چون دشمنان سیرمان، نان را نمی‌فهمند

آن شریک در خون فلسطین، آن صاحب شاهکار عظیم  
اپستین، زادالله عذابه، کله هم‌رنگ لامپ پرزیدنت ترامپ از  
احمق‌ترین رییس‌جمهورهای ینگه دنیا بود.  
آورده‌اند که شبی بعد از جروبحث با ملانیا مشغول آواز: منم  
عکساشو پاره کردم.... با خود گفت زورم به او نمی‌رسد، به ایران  
که می‌رسد. این شد که سوار خر شیطان، آمد تا عصبانیتی که در  
مغزش فراوان بود نمی‌دانست کجا بریزد را سر ایران خالی کند.  
در همین زمان فندق مغزانی بودند که پنداشتند وی مناطق  
مسکونی را نمی‌زند اما او آمد و زد و آن‌ها از پشت عینک  
دودی‌شان چیزی ندیدند.

نقل است که آن یانکی تهی مغز با هر چه در توان داشت به  
میدان آمد، وی حتی دست به پستان ... بخشید دامان شیوخ  
همسایه هم شد اما سرانجام شیربچه‌های آریایی، هیمنه‌اش  
را سوسک کردند.